اگر کسی یقین دارد که در نماز مبتلا به شک و سهو نمی­شود عملش صحیح است گرچه مسائل شک و سهو را یاد نگرفته باشد.

**مرحوم حکیم بر این متن اشکالی دارد.**

**اشکال:** إجزاء عقلی است یعنی عقلا عملی که مطابق با واقع یا حجّت شرعیه باشد مجزی است و اطمینان نقشی در صحت عمل ندارد و لذا اگر کسی مطمئن نباشد و مبتلا به سهو و شک هم نشود و یا مبتلا به سهو و شک باشد اما رجاءً یکی از اطراف شک را انجام داد آنگاه عملش مطابق با واقع یا حجت شرعیه شد این عمل صحیح است. بنابراین کلمه لو اطمأن من نفسه... لازم نیست در عبارت باشد بلکه مهم این است که عمل او مطابق با واقع یا حجت شرعیه باشد و لو اینکه اطمینان به ابتلاء به شک و سهو نباشد.

**اشکال استاد:**

به نظر ما این اشکال بر متن سیّد وارد نیست زیرا راجع به وجوب تعلُّم دو نظریه بود.

**الف:** برخی می­گفتند وجوب تعلُّم عقلی است.

**ب:** و نظر دوم این بود که وجوب آن شرعی است چنانکه مختار شیخ همین نظریه بود.

در جای که وجوب تعلُّم وجوب شرعی باشد باید احکام سهو و شک را یاد بگیرد فقط یک صورت استثناء می­شود و آن صورتی است که مطمئن است که در نماز مبتلا به شک نمی­شود اما کسی که مطمئن نیست و احتمال می­دهد گرفتار شک شود شرعا بر او واجب است که احکام را یاد بگرید نظیر ارتکاب شبهات قبل از فحص همانگونه که فحص قبل از ارتکاب شبهات واجب است همچنین تعلُّم احکام قبل از ابتلاء به مسائل شک واجب است مگر اینکه مطمئن باشد که به شک و سهو نمی­افتد.

**اطمینان چهار اثر فقهی دارد که باید به این چهار اثر توجّه می­شد**.

**اثر اول:** اگر کسی مطمئن بود که مبتلا به شک در نماز نمی­شود و نماز را شروع کرد و در اثناء نماز مبتلا به شک شد به یکی از احتمال و اطراف شک عمل کرد و نماز را تمام کرد اتفاقا مخالف با واقع هم در آمد مثلا بعد از تشهد شک بین دو و سه کرد و یک رکعت را ادامه داد بعد کشف شد که ایشان این رکعت را خوانده بود آیا مستحق عقاب است ؟

خیر چون اثر اطمینان این است که معذریَّت می­آورد ایشان با این اطمینان نزد خدا معذور است اما اگر داخل وقت است اعاده کند و خارج وقت است قضا کند لذا اعاده و قضا از او ساقط نمی­شود. حال اگر اطمینان نداشت با وجود عدم اطمینان به ابتلاء به شک نماز را شروع کرد و مبتلا به شک شد و مخالف واقع در آمد مستحق عقاب است چون ایشان ایمنی از عقاب ندارد.

**اثر دوم:** وجوب معرفت و تعلُّم مسائلِ شک در جای که قید اطمینان نباشد لغو است چون غرض از وجوب تعلُّم اطمینان به احکام شرعیه است. شارع می­خواهد مکلف با اطمینان نماز را شروع کند صرفا احراز مطابق با واقع با قیام حجت نمی­تواند غرض از وجوب تعلُّم را تأمین کند لذا غرض از وجود تعلُّم این است که عمل را با اطمینان شروع کند و اگر اطمنان را بر داریم حکم به وجوب تعلُّم لغو می­شود.

**اثر سوم:** اگر کسی مطمئن به عدم ابتلاء به سهو نباشد بلکه احتمال بدهد که در نماز مبتلا به شک می­شوم در این جا حق ندارد نماز را شروع کند اطلاق ادله وجوب تعلُّم می­گوید بر تو واجب است احکام شک را یاد بگیری آنگاه نماز را اقامه کنی لذا در قیامت از او می­پرسند هلاّ تعلَّمت و نماز را باطل انجام دادی؟ یا در حدیث دارد افلا تعلَّمت حتی تعمل ...

**اثر چهارم:** یک سلسله از مسائل در فقه ما خارج از ابتلاء ما است مثل احکام برده و کنیز یا مسائلی که در کتب استدلالی بیان شده مثل قاعده طهارت ، قاعده استصحاب که محل ابتلاء ‌مردم نیستند این موارد نیازی به تعلُّم ندارند اما یک سلسله از مسائلی است که مورد ابتلاء مردم است که نام آنها را المسائل الابتلائیه می­گویند در این جا باید با اطمینان به عمل پرداخت. لازمه اطمینان وجوب تعلُّم مسائل ابتلائیه است لذا باید آنها را یاد گرفت و لو اجمالا